

سلام افلاک

۱۱۸۷۷۱



دانشگاه قم

دانشکده الهیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

بررسی تطبیقی اراده و اختیار انسان از دیدگاه امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی (ره)

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر یزدی

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر ساطع

نگارنده:

سیده فاطمه کاملی

۱۳۸۸ / ۷ / ۶

توزیع اطلاعات مرکز علمی بزرگ
تهران - خیابان ولیعصر

بهار / ۸۸

۱۱۸۳۳۱

تاریخ: ۸۸/۲/۲

برش

شماره: ۱۱/۱۰۱

پیوست:



« صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد »

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف»

جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد خانم: سیده فاطمه کاملی رشته: فلسفه و کلام اسلامی تحت عنوان: بررسی تطبیقی اختیار و اراده انسان از دیدگاه علامه طباطبایی و امام خمینی (ره) با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ ۳۰ / ۱ / ۸۸ تشکیل گردید.
در این جلسه، پایان نامه با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد ۱۸٫۷۵ با حروف **همه وقت روح صدم** عالی بسیار خوب خوب قابل قبول دریافت نمود.

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبه علمی	امضاء
خانم اقدس یزدی	استاد راهنما	استادیار	
خانم نفیسه ساطع	استاد مشاور	استادیار	
آقای علی اله بداشتی	استاد ناظر	استادیار	
آقای عسگر دیرباز	استاد ناظر	استادیار	
آقای عسگر دیرباز	نماینده کمیته تخصیلات تکمیلی	استادیار	

مدیر امور آموزش و تخصیلات تکمیلی
نام و امضاء:

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده
نام و امضاء:

نشانی:
قم، جاده قدیم اصفهان،
دانشگاه قم
کدپستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱
تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱
دورنویس:
۲۸۵۵۶۸۴ معاونت آموزشی
۲۸۵۵۶۸۶ معاونت اداری
۲۸۵۵۶۸۸ معاونت دانشجویی

تقدیم به:

روح ملکوتی بنیان گذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) و
عارف وارسته و مفسر بزرگ علامه طباطبائی (رحمه ... علیه)

تشکر و قدردانی:

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت به ما عطا فرمود. به رسم ادب و با الهام از کلام الهی « **لَإِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ** » برخویش واجب می دانم از تمامی اساتید، دبیران و معلمان بزرگواری که طی سالیان گذشته به من لذت آموختن و کسب علم و نیز حلاوت تحصیل فضایل اخلاقی را خالصانه و صبورانه چشاندند، تشکر کنم؛ به خصوص از استادان محترم دوره کارشناسی ارشد که حقیقتاً گره گشای بسیاری از دغدغه های اندیشه ای و اعتقادی بنده بوده اند.

از استاد گرامی **سرکار خانم یزدی** که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل نموده و در اتمام آن از هیچ کمکی فروگذار نبوده اند، صمیمانه تشکر می کنم.

از **سرکار خانم دکتر ساطع** به عنوان مشاور که با راهنمایی خود مرا مورد لطف قرار دادند، کمال تشکر را دارم.

همچنین از راهنمایی های راه گشای جناب آقای دکتر اله بداشتی، دوستان و به ویژه از کمک های معنوی خانواده عزیزم که مشفقانه و صبورانه، مشکلات مراحل تدوین را تحمل نمودند، قدردانی می کنم.

چکیده:

در این تحقیق سعی بر این است که اراده و اختیار انسان از دیدگاه فیلسوف و عارف حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) و فیلسوف بزرگ جهان تشیع علامه سید محمد حسین طباطبایی (اعلی الله مقامه) بررسی گردد. امام (ره) و علامه (ره) بر وجود اختیار در انسان و نیز اراده به عنوان یکی از مقومات و مبادی مهم انجام فعل، تاکید می‌ورزند و برای اثبات آنها در آثار خویش براهینی ذکر کرده‌اند. این دو بزرگوار اراده و اختیار را دو ویژگی متمایز از یکدیگر معرفی می‌کنند و قائلند نه تنها آدمی بلکه حیوانات و حتی تمامی کائنات نحوه و مرتبه ای از اختیار و اراده را دارا هستند. هرچند هر کدام تعریف و تفسیر خاص و متفاوتی از اراده، به ویژه اراده الهی داشته‌اند و در برخی فرعیات مربوط به اراده و اختیار اختلاف نظر دارند، اما هر دو اراده را متفاوت از شوق و میل و... می‌دانند و از اراده به عزم و همت نفس تعبیر می‌کنند که پس از تصور و تصدیق به فایده و ایجاد شوق در نفس حاصل شده، موجب تحریک عضلات و انجام فعل می‌گردد. اما در تعریف اراده خداوند هر کدام طریق جداگانه ای دارند. امام (ره) بر اساس خط فکری صدرایی، اراده الهی را علم به نظام احسن می‌دانند؛ در حالی که علامه (ره) اراده الهی را صفتی متفاوت از علم می‌شمارند. در مورد رابطه اراده و اختیار انسان هر دو عالم فرزانه با دو روش افراطی و تفریطی یعنی اشاعره و معتزله به مبارزه پرداخته و به تبع پیشوایان تشیع راه میانه یعنی امر بین الامرین را انتخاب نموده‌اند. همچنین هر کدام به نقش و کارکرد مهم اراده و اختیار آدمی در زندگی اشاره داشته، وجود اختیار در انسان را در تمامی امور خویش امری بدیهی دانسته و تاکید کرده‌اند که انسان می‌تواند با اراده خویش، خود را در مسیری که او را به سعادت اعلی علیین می‌رساند، بالا بکشد و از سقوط در اسفل السافلین برهاند.

واژگان کلیدی: اختیار، اراده، فعل اختیاری، فعل ارادی، فاعل مختار، اتفاق، قانون

علیت، اراده الهی، قوس صعود و نزول

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول : کلیات

- ۱-۱. مقدمه ۲
- ۲-۱. تعریف مسأله ۳
- ۳-۱. ضرورت تحقیق و اهداف کلی ۴
- ۴-۱. تاریخچه مطالعاتی ۴
- ۵-۱. فرضیه های تحقیق ۵
- ۶-۱. روش تحقیق ۵
- ۷-۱. پیشینه بحث ۵
- ۸-۱. شرح حال امام خمینی (ره) ۹
- ۹-۱. شرح حال علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره) ۱۴

فصل دوم : اراده و اختیار در انسان

- ۱-۲. اراده ۲۰
- ۱-۱-۲. اراده از منظر معنا شناسی ۲۰
- معنای لغوی و اصطلاحی اراده ۲۰
- اراده از نظر متکلمین ۲۱
- اراده از نظر روان شناسان فلسفی ۲۲
- اراده از نظر علمای اخلاق ۲۲
- اراده از نظر فیلسوفان ۲۳
- ۲-۱-۲. اراده از منظر هستی شناسی ۲۷
- ۳-۱-۲. نقش اراده در افعال انسان ۲۸
- ۱-۳-۱-۲. اقسام فعل آدمی ۲۸
- ۲-۳-۱-۲. اقسام افعال ارادی ۳۰

۳۱	۲-۱-۳-۳. ویژگی های اراده
۳۳	۲-۱-۳-۴. جایگاه اراده در نفس
۳۴	۲-۱-۳-۵. جایگاه و منشائیت اراده در افعال ارادی
۳۶	۲-۱-۴. اراده در انسان و حیوان
۳۹	۲-۲. اختیار
۳۹	۲-۲-۱. اختیار از نظر معنا شناسی
۳۹	معنای لغوی و اصطلاحی اختیار
۴۱	معنای اختیار در علوم مختلف
۴۲	۲-۲-۲. اختیار از نظر وجود شناسی
۴۴	۲-۲-۱-۱. دلایل اثبات اختیار در انسان
۴۴	تکلیف و مسؤولیت
۴۵	یشیمانی و شرم و خجالت
۴۶	تردید
۴۶	مدح نکوکاران و مجازات خطاکاران
۴۷	فعل اخلاقی
۴۷	تعلیم و تربیت
۴۷	۲-۲-۳. اختیار وجه تمایز انسان و حیوان
۴۸	۲-۲-۴. نقش اختیار در افعال انسان
۵۱	۲-۲-۴-۱. معیار اختیاری بودن فعل
۵۱	۲-۲-۴-۲. مبادی و مراحل فعل اختیاری
۵۳	۲-۲-۴-۳. مقدمات غیر اختیاری در افعال اختیاری
۵۴	۲-۳. رابطه اراده و اختیار
۵۷	۲-۳-۱. تفاوت اراده و اختیار
۵۸	۲-۳-۲. اراده در افعال اختیاری و اضطراری
۵۹	۲-۳-۳. تطبیق انواع فاعل ها با معانی اراده و اختیار

۶۳	۲-۴. اصل "علیت" و افعال اختیاری انسان
۶۵	۲-۴-۱. نظرات مختلف پیرامون اصل "علیت"
۶۶	۲-۴-۲. مسلک جبر و قانون علیت
۶۸	۲-۴-۳. قانون علیت مؤید اختیار در آدمی
۷۰	۲-۵. "علت غایی" و افعال اختیاری انسان
۷۱	۲-۵-۱. اتفاق
۷۳	۲-۵-۲. غایت و علت غایی
۷۵	۲-۵-۳. اثبات علت غایی و دفع شبهه اتفاق
۷۹	۲-۵-۴. غایت شرط اساسی افعال اختیاری انسان
	فصل سوم: گستره اراده و اختیار انسان در نظام هستی
۸۱	۳-۱. اراده خداوند
۸۱	۳-۱-۱. اراده خداوند از منظر معنا شناسی
۸۵	مقایسه اراده انسان و اراده خداوند
۸۶	اتحاد مصداقی صفات الهی
۸۸	اراده ذاتی و اراده فعلی الهی
۹۲	حدوث و قدم اراده الهی
۹۲	۳-۱-۲. اراده خداوند از منظر هستی شناسی
۹۳	۳-۲-۳. شمول اراده الهی و رابطه آن با اراده و اختیار آدمی
	۳-۲-۱. نظرات فرق اسلامی پیرامون شمول اراده الهی
۹۳	و افعال آدمی
۹۴	۳-۲-۱-۱. جبریه
۹۵	۳-۲-۱-۲. مفوضه
۹۸	۳-۲-۱-۳. امامیه (لا جبر و لاتفویض بل امر بین الامرین)
	۳-۲-۲. شبهات عقیدتی پیرامون افعال اختیاری انسان
۱۰۵	و پاسخ به آنها

۱۰۶	- شبهه امتناع اجتماع دو قادر بر یک مقدر
۱۰۷	- شبهه فاعل موجب بودن انسان
۱۰۸	- شبهه جهل شدن علم الهی
۱۰۹	- شبهه قضا و قدر
۱۱۲	- شبهه بداء
۱۱۴	۳-۳. کارکرد اراده و اختیار انسان در نظام سیستماتیک عالم
۱۱۴	۳-۳-۱. جبر گرایی و اراده گرایی معاصر
۱۱۸	۳-۳-۲. اراده و اختیار انسان و بخت؛ اقبال؛ تقدیر و سرنوشت
۱۲۱	۳-۳-۳. اراده و اختیار انسان و وراثت؛ هوش؛ عادت و محیط
۱۲۵	۳-۳-۴. اراده و اختیار انسان در قوس صعود و نزول معنوی
۱۲۹	نتیجه گیری
۱۳۱	فهرست مطالب
۱۳۸	چکیده انگلیسی

فصل اول : کلیات

- ۱-۱ مقدمه
- ۱-۲ تعریف مسأله
- ۱-۳ ضرورت تحقیق و اهداف کلی
- ۱-۴ تاریخچه مطالعاتی
- ۱-۵ فرضیه های تحقیق
- ۱-۶ روش تحقیق
- ۱-۷ پیشینه بحث
- ۱-۸ شرح حال امام خمینی (ره)
- ۱-۹ شرح حال علامه سید محمدحسین طباطبایی (ره)

اگر ما امروز به این سوال که چرا به دنیا آمده ایم و برای چه زندگی می کنیم و به کجا می رویم؟ پاسخی ریشه ای بدهیم، باید مساله جبر و اختیار را با روش و توجه بیشتر و جدی تری بررسی کنیم. هنگامی که ما تشخیص ندهیم آیا انسان می تواند با اختیار و آزادی کاری را انجام بدهد یا نه. در تدوین هر اصل و قانونی که در علوم حقوقی، اقتصادی، اخلاقی، سیاسی، دینی و... برای انسان در نظر می گیریم به معماری می مانیم که بدون برآورد کمیت و کیفیت مقاومت، بنیاد عمارت سنگین و زیبایی را روی آن بنیاد مجهول شکل می دهد و سپس نقاش زبردستی نیز آن را رنگ آمیزی می کند. اگر ما ندانیم انسان دارای نیروی آزادی درونی هست یا نه. با کدامین دلیل، آزادی اجتماعی را به عنوان آخرین آرمان تمدن بشری عرضه بداریم؟ فرض کنیم اگر تحقیقات ما درباره آزادی و انسان به نتیجه مثبتی نرسد، یعنی ما نتوانیم از چنگال قانون علت و معلول کلاسیکی نجات یابیم، ولی حداقل می توانیم این اصل را به بشر امروزی بقبولانیم که شما دارای قدرتی هستید که با آن می توانید زنجیر عوامل سودجوئی و خودخواهی شخصی را پاره کنید و تحت تاثیر عوامل عالی تر و انسانی تر قرار بگیرید. اگر چه با ادله و براهین بسیار روشن می توان اثبات نمود که چنین آزادی و قدرت انتخابی در آدمی وجود داشته و خدای حکیم آن را در نهاد هر انسانی به ودیعه نهاده و شاهره سعادت را نیز به او نشان داده است تا در این میان انسان با اختیار و اراده خویش یکی از دو راه نیک و بد و خیر و شر را انتخاب نماید. در نهایت به دلیل همین ویژگیها، خود او مسوول اعمال نیک و بد شناخته می شود و نمی تواند هیچ چیز دیگری از قبیل قانون علیت یا بخت و اقبال و یا قضا و قدر و... را در آن دخیل بداند و نتیجه کار را به دوش آنها بنهد. نعمت آزادی و حق انتخاب انسان و قدرت تعقل در آدمی موهبتی است الهی که او را از ملائک متمایز و حتی بالاتر قرار داده است. درست است که انسان پرتوی از وجود خدا و جانشین او در زمین است؛ اما حرکت، تکاپو، اختیار و اراده انسان نادیده گرفته نشده است و قرآن همین را عامل مهمی برای هدایت و ضلالت او به حساب می آورد. اختیار و اراده و آزادی در بعد فلسفی، حکمت وجودی خلقت انسان است و دین با تکلیف و مقررات خود نمی خواهد این حکمت را نابود سازد و حق انتخاب را از بشر سلب نماید. بلکه می خواهد انسان، ایمان و باوری به دست

آورد که با اراده کامل و با محبت و عشق، به خوبی ها و آن کمال عالم هستی روی آورد. هر دستور شرعی، سلب اختیار از آدمی نمی کند، بلکه تقویت جهتی از روح و سرشت آدمی است که در میان دو راه خیر و شر وجود دارد.

در این تحقیق برآنیم ابتدا مباحث فلسفی پیرامون اراده و اختیار را به ویژه از دیدگاه دودانشمند و عالم فرزانه یعنی امام خمینی (ره) و بنیانگذار جمهوری اسلامی و علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره) فیلسوف عالم تشیع به بررسی بگذاریم. سپس در همین راستا به نقش اراده و اختیار در زندگی آدمی و رابطه آن با اراده الهی بپردازیم و شبهات مهمی که در این زمینه مطرح می گردد، پاسخ گوئیم و بر وظیفه انسان در استفاده صحیح از این ویژگی برای رسیدن به سعادت تاکید نماییم. امید است حق مطلب ادا گردد. «خداوندا! ما در این زندگی تاحد توانایی خود در اصلاح حال فردی و اجتماعی خود کوشش خواهیم نمود و درعین حال، محاسبه تو را روی تمام کارهای جزئی و کلی که انجام می دهیم، تقویت خواهیم کرد و از شرور و ناملایمات تا آنجا که مربوط به مشیت تو است و از حدود اختیار ما خارج است، یأس و ناامیدی به خود راه نخواهیم داد.»^۱

۱-۲ تعریف مساله

از آنجا که موضوع اراده انسان و اختیار او پیوندی عمیق با سرنوشت آدمی دارد و تاثیر جدی در حرکت او به سمت سعادت و رستگاری و یا شقاوت و بدبختی بر جای می گذارد؛ لذا پاسخگویی به دغدغه های آدمی پیرامون این دو ویژگی، به ویژه، از زبان بزرگان دین و بررسی دیدگاه اشخاصی چون امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی (ره) که تربیت یافتگان مکتب راستین هستند می تواند تا حد زیادی به انسان در جهت گیری صحیح به سوی قرب الهی یاری نماید و با قدرت «اختیار»، این موهبت و امانت الهی، خویشان را از بند جبر و حصار ماده و طبیعت رهنانده و قوس صعود را با سرعتی فراتر از نور پیموده، روح و جان را با ذات حضرت دوست پیوند زند. آدمی، ابتدا، باید باور بدارد در جهانی که در ظاهر جبر بر آن حاکم است و همه چیز بر اساس قانون ثابت و محکم علی و معلولی در مسیر معین و هدفی مشخص در حرکت است، مجهز به نیرویی است که در عین کوچکی می تواند او را از بند قوانین مجبورکننده برهاند و به هدفی

۱- قسمتی از بیانات امام خمینی (ره) (تقریرات فلسفه امام)

که خود آن را رقم می زند ، رهسپار سازد . سپس با زانو زدن در مکتب الهی و درس آموختن از رهبران آن و امداد از پویندگان راه ، قوه اختیار و اراده را در مسیر صحیح به کارگیرد تا به سر منزل مقصود که عنایت اصلی است ، نائل گردد.

۱-۳ ضرورت تحقیق و اهداف آن

پس از رحلت پیامبر اکرم - صلی الله علیه و اله - برخی از فرق اسلامی برای توجیه ظلم ها و استمرار سلطنت خویش و تثبیت منافع مادی ، سعی کردند با ترویج عقیده جبر مطلق ، هرگونه ظلم و ستم بر مسلمین را به خداوند و خواست و اراده او استناد دهند . امروزه نیز اگرچه در ظاهر هر آدمی خود را از بند هر چه او را مجبور سازد (چه خداوند ، چه موجود برتر ، چه قانون طبیعت و ...) رهانیده است ، اما آشفتگی های انسان عصر حاضر و افزایش سرگردانی ها ، بیماری های روحی و روانی ، بی هویتی و بحران های ناشی از سرنوشتی نامعلوم نشان از چیزی نامحسوس ولی دردناک دارد . انسان کنونی نمی داند از کجا آمده است ؟ به کجا می رود ؟ آیا با اراده و اختیار ره می پیماید و یا دستی از خارج او را به سوی آینده ای نامعلوم پیش می راند ؟ به همین منظور تحقیق حاضر سعی دارد با تبیین مسأله اراده و اختیار آدمی و بررسی جایگاه آنها در نظام هستی و چگونگی تعامل آن دو با عالم خلقت و مهم راز آن رابطه اختیار و اراده انسان با خواست و اراده خداوند و پاسخ برخی شبهات و دغدغه ها پیرامون آن ، انسان متحیر و گرفتار « ایسم » های قرن بیست و یک را به شاهراه اصلی و تنها مکتب حقیقی متصل گرداند تا در پرتو تعالیم آن خویشتن را از بند زندان جبر مطلق از یک طرف و افسار گسیختگی و گردنکشی اختیار محض از سوی دیگر برهاند و با شناخت جایگاه واقعی خود ، در مسیر معرفت و شناخت حق قدم گذارد و با امدادهای رسول باطنی (عقل) و رسول ظاهری (پیامبران و امامان) به مقصد و جایگاه نهایی و سعادت ابدی راه یابد.

۱-۴ تاریخچه مطالعاتی

پیرامون اراده انسان و اختیار او پژوهش هایی (کتاب ، پایان نامه ، مقاله و ...) صورت گرفته است که از برخی از آنها در رساله استفاده شده است. اما تحقیقی که به طور جامع به ابعاد مختلف «اختیار» و «اراده» و ارتباط آن ها با مباحث فلسفی نظیر نظام علی و معلولی ، غایت ،

مقدمات و شرایط آنها و ... و مباحث کلامی مانند ارتباط آن با اراده خداوند ، تبیین جایگاه اختیار و اراده در نظام هستی پردازد و در صدد رفع شبهات پیرامون آن باشد و سنت های ناصواب و خرافات را از دل ها بزدايد ، دیده نشده است . و یا اگر هم باشد بدین گستردگی و آن هم از نقطه نظر افراد بزرگی چون امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی و علامه طباطبایی (ره) مفسر ، فیلسوف و عارفی سالک پرداخته است . لذا این تحقیق به دلیل داشتن و برخورداري از چنین ویژگی هایی در خور توجه می باشد.

۱-۵ فرضیه های تحقیق

۱. اراده را می توان یکی از مبادی و مقدمات انجام فعل دانست.
۲. اراده در انسان و حیوان دارای نقاط اشتراک و افتراق است.
۳. برای حیوانات نیز می توان همانند انسان ، اختیار را اثبات نمود.
۴. اراده و اختیار دو ویژگی متفاوت و متمایز از هم در انسان هستند.
۵. قانون «علیت» مؤید اختیار در آدمی است.
۶. اراده انسان در طول اراده الهی در عالم اثر گذار می باشد.
۷. انسان با قدرت اراده و اختیار می تواند خود را از بند قوانین طبیعت و جبر حاکم بر آن تا حدودی برهاند.
۸. انسان با نیروی اراده و اختیار می تواند در قوس صعود و نزول به اعلی علین و یا اسفل السافلین برسد.

۱-۶ روش تحقیق

این تحقیق به روش کتابخانه ای و با فیش برداری از منابع معتبر صورت گرفته است. سپس مطالب جمع آوری و دسته بندی شده و مورد پردازش قرار گرفته و با تجزیه و تحلیل داده ها ، نگارش نهایی صورت پذیرفته است.

۱-۷ پیشینه بحث

اختیار و اراده انسان موضوعی نیست که تازگی داشته باشد و از متون کهن اعم از شعر ،

داستان حماسی، قصیده و ... بر می آید که ریشه در دوران قبل از اسلام دارد^۱ و در کنار آن مباحثی نظیر ناتوانی اراده آدمی و عدم توانمندی آن در تعیین سرنوشت و مجبور بودن انسان مطرح بوده است. نخستین بار این بحث در میان فلاسفه و حکماء هند مطرح بود و بعد دانشمندان مصری آن را مورد بررسی قرار دادند تا آنکه در پانصد سال قبل از میلاد به یونان کشیده شد.^۲ در یونان مسأله ایمان به جبر و عدم قدرت اراده، بر مسأله اختیار و توانایی اراده، برتری یافت؛ به طوری که فرمان قضا و قدر در نظرشان فوق اراده خدایان بود و «ژوپتر» خدای خدایان با تمام قدرتی که داشت، نمی توانست از آثار آن جلوگیری کند.^۳ از سخنان سقراط و شاگرد اول مکتبش، افلاطون بر می آید که جانب جبر را برگزیدند؛ اما بزرگ ترین شاگرد افلاطون، ارسطو، جانب اختیار را انتخاب می کند به طوری که در کتاب خود «اخلاق نیکوماخوس» حدود شانزده فصل را به بحث اراده و اختیار اختصاص داده است. پس از آن، با غروب آفتاب فرهنگ یونانی این مسأله هم غروب کرد؛ تا آنکه آفتاب اسلام سرزد و دانشمندان اسلامی یگانه تاز معارف و علوم شدند و با درخشندگی اسلام در جوامع بشری، این موضوع نیز از بوته فراموشی بیرون آمد و چه در جانب جبر و چه در جانب اختیار، آراء و نظرات مختلف ایجاد شد.^۴ در غرب مکاتبی مانند «رواقیان» مدافع اندیشه جبر بودند و آشکارا از اعتماد به تقدیر سخن می گفتند. فروسیوس رواقی در دفاع از جبر خود و توجه به آن می گوید: "سرنوشت فقط «علت قریب»^۵ افعال انسانی است"^۶. اسنکا نیز معتقد است: "من می دانم که همه چیز تابع قانون مسلمی است که تا ابد مقرر شده است. تقدیر ما را راه می برد و مقدار زمانی که از عمر هر یک از ما باقی مانده است، از همان لحظه تولد معین شده است... بنابراین با جرأت همه چیز را باید پذیرفت؛ زیرا برخلاف تصور ما هیچ چیز ناشی از تصادف نیست، بلکه همه چیز معلول علتی است."^۷ در واقع اختیار و قدرت اراده نزد رواقیان تسلیم و رضا

۱- شیخ بو عمران، مسأله اختیار در تفکر اسلامی و پاسخ معتزله به آن، ترجمه اسماعیل سعادت (تهران: هرمس، ۱۳۸۲)، ص ۱۶

۲- سید روح... موسوی خمینی، طلب و اراده، ترجمه سید احمد فهری (تهران: علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۲)، ص ۶

۳- محمد مهدی رکنی، جبر و اختیار در مثنوی، چ اول (تهران: اساطیر، ۱۳۷۷)، ص ۱۴

۴- خمینی، پیشین، ص ۶

۵- cause prochaine

۶- شیخ بو عمران، پیشین، ص ۵۲ این تلاش شبیه به تلاش اشعری در مورد مفهوم «کسب» است.

۷- همان، ص ۵۲

به هر چیزی است که پیش می آید. اپیکتوس در این باره می گوید: "اختیار آن است که بخواهی وقایع آنگونه که روی می دهد، روی دهد نه آنگونه که دلخواه توست."^۱ فلسفه نوافلاطونی نیز چنین اعتقادات و تعبیراتی را راجع به اختیار آدمی مطرح می کند.

اما در اسلام^۲ گفته می شود این مسأله از قرن اول (ه ق) مطرح شده است. بنا بر روایت مقدسی (قرن ۴ ه ق / ۱۰ میلادی) عایشه به هنگام جنگ جمل (۳۶ ه ق / ۶۵۶ م) تصدیق می کند بی آنکه خود بخواهد درگیر وقایع شده است و می گوید هدف او سعی در آشتی دادن مؤمنان بوده است نه شقاق بین آنها. عایشه صراحتاً اعلام می کند که «بازیچه دست تقدیر» بوده است.^۳ به نظرمی رسد این نخستین بار بود که در تحلیل وقایع اشاره صریح به «تقدیر» می شود. برخی منابع دیگر نیز تأیید می کنند که نخستین مباحث درباره اختیار و جبر و قضا و قدر در زمان حیات امام علی - علیه السلام - صورت گرفته است.^۴ عمرو عاص روزی از ابوموسی اشعری پرسید: "چرا خداوند انسان را مجازات می کند پس از آنکه خود، او را مجبور به

۱- شیخ بو عمران، پیشین، ص ۵۳

۲- اکثر خوانندگان وقتی سخن از فرقه ها در مسأله جبر و اختیار به میان می آید، اشاعره و معتزله را در ذهن خود تداعی می کنند. در حالی که باید اصلاحی در مورد این ذهنیت صورت پذیرد؛ زیرا تقسیم شدن امت اسلامی به این فرقه ها ریشه و عواملی دیگر دارد. به طور کلی در اسلام سه عامل اساسی موجب پیدایش فرقه های اعتقادی شده است:

الف) در زمان حیات پیامبر اکرم - صلی الله علیه و اله - اختلافات اعتقادی در میان امت اسلامی پدید نیامد. اما پس از رحلت ایشان بلکه از همان روز نخست، اختلاف و نزاع بر سر خلافت و امامت، امت اسلام را به دو شاخه «شیعه» و «سنی» تقسیم کرد.

ب) دومین عامل از اختلاف در سپاه امام علی (علیه السلام) در سال های ۳۶ و ۳۷ ه ق آغاز شد که مبدأ پیدایش فرقه «خوارج» گردید و فرقه های «مرجئه» و «معتزله» نیز در واکنش به آرای خوارج شکل گرفتند.

ج) سومین عامل در مورد مسأله جبر و اختیار انسان بود که به پدید آمدن فرقه «جبریه» و «قدریه» انجامید که «اشاعره» از فرقه جبریه متولد شد و «معتزله» در بحث جبر و اختیار از قدریه رشد یافت. می توان انشعاب فرقه ها را با توجه به عوامل بالا این طور ترسیم نمود: عوامل مورد نزاع و فرقه های ظهور یافته: الف) مسأله امامت و خلافت: ۱. شیعه ۲. سنی ب) مرتکب گناه کبیره: ۱. خوارج [تز] ۲. مرجئه [آنتی تز] ۳. معتزله [سنتر]

ج) جبر و اختیار: ۱. جبریه: ۱-۱ اهل حدیث ۲-۱ اشاعره ۲. قدریه: معتزله

در واقع دو فرقه «جبریه» و «قدریه» از فرقه های فرعی مرجئه بوده اند. کسانی که به بحث از مسأله ایمان و کفر می پرداختند «مرجئه خالص» نامیده می شدند. افرادی که در زمینه جبر و اختیار به نظریه جبر معتقد بودند «مرجئه جبریه» و به کسانی که به اختیار مطلق انسان قائل بودند «مرجئه قدریه» گفته می شد. پیروان «جهنم بن صفوان» که جبریه اند جزء «مرجئه جبریه» اند. «غیلانیه» یعنی پیروان «غیلان دمشقی» جزء «مرجئه قدریه» محسوب می شوند. قدریه و جبریه به زودی نابود گشتند و عقاید آنها در فرقه های مهم دیگری نظیر «معتزله» (از فرقه قدریه) و اصحاب حدیث و اشاعره (از فرقه جبریه) پی گیری شد. رضا برنجکار، آشنایی با فرق

و مذاهب اسلامی، ج چهارم (قم: طه، ۱۳۸۱)، ص ۲۰ تا ۲۲

۳- شیخ بو عمران، مسأله اختیار در تفکر اسلامی و پاسخ معتزله به آن، پیشین، ص ۹. به نقل از مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۲۲۵

۴- منابعی نظیر طرطوشی، سراج الملوك: ص ۳۴۶

پس از پایان جنگ خانگی و پیروزی امویان، حاکمان بنی امیه برای توجیه استیلاي خویش متوسل به قضا و قدر می شوند و از نظریه جبر حمایت می کنند. اولین کسی که برای خود توجیه افعال خود از واژه «جبر» استفاده می کند «معاویه» بود؛ او می گفت: «اگر من حکومت می کنم، چون خدا خواسته؛ و اگر خدا نمی خواست من حکومت نمی کردم»^۲. ترویج مسلک جبر و مرجئه که عقایدشان توجیه کننده ظلم ها و جنایت های امویان بود و زجر و قتل طرفداران «اختیار» توسط آنان در تاریخ معروف بوده است. جانب داری امویان از مذهب جبر بدان حد بود که این عبارت در آن زمان مشهور بود: «الجبر والتشبيه امویان والعدل والتوحيد علویان»^۳

بنابراین می توان نتیجه گرفت دامن زدن به این مسأله در فرهنگ اسلامی زاینده شرایط سیاسی عصر بنی امیه بوده است و حرکت معارض با دستگاه بنی امیه مانند شیعه، خوارج و بعدها معتزله که مخالف جبر و طرفدار اختیار بودند، شاهی بر این موضوع می باشد. پس از آن، این مسأله به بحث های کلامی و فلسفی صرف، تبدیل شد و در مورد تکلیف و اراده انسان جایگاه اعتقادی یافته است.^۴ قدیمی ترین جبریان «جهم بن صفوان» است که می گوید: «انسان مسؤول اعمال خود نیست و خداست که افعال انسان را خلق می کند. انسان به برگی می ماند که باد آن را به دلخواه خود به هر سو می برد». او با تبلیغ نظریه خود طرفدارانی یافت که به «جهمیه» یا «جبریه» مشهور شدند. اما مذهب اختیار اولین بار توسط «معبد جهنی» که در بصره می زیست، پی ریزی گردید. او مؤسس فرقه «قدریه»^۵ است و قائل به آزادی و اختیار انسان بود. در سال هشتاد هجری قمری او به دست «حجاج بن یوسف ثقفی» و به دستور عبدالملک بن مروان به قتل رسید. «غیلان دمشقی» شاگرد طراز اول او و دومین متکلم قدریه، فکر و روش استاد خویش را ترویج داد و به

۱- شهرستانی، ملل و نحل، (قم: شریف الرضی، ۱۳۶۴) ج ۱، ص ۸۵

۲- آنها می گفتند: «انما بالقدر خیرة و شره. حکام مستبد را نیز «جبار» می گویند؛ زیرا معتقد به چنین جبری بودند. لذا جبار از همین باب آمده است. شیخ بو عمران، مسأله اختیار در تفکر اسلامی و پاسخ معتزله به آن، پیشین، ص ۹

۳- مرتضی مطهری، انسان و سرنوشت (قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳)، ص ۲۱

۴- سید محمد علی ایازی، آزادی در قرآن (تهران: ذکر، ۱۳۷۹) ص ۲۹

۵- این لفظ نخست به قدرت خدا که انسان ناگزیر از تسلیم به آن است، اطلاق می شد و مترادف با «تقدیر» بود. ابتدا قدریه، معتقدان به جبر نامیده می شدند؛ اما بعدها کلمه «قدر» معنای متفاوتی به خود گرفت و به قدرت انسان به عنوان عامل مسؤول اعمال خویش اطلاق شد. اما سنت به رغم اعتراض پیروان معبد، به قائلان به اختیار نام «قدریه» داد.

اسراف حاکمان اعتراض نمود که او نیز به فرمان «هشام بن عبدالملک» کشته شد. پس از قدریه فرقه «معتزله» با اعتزال «واصل بن عطاء» از شاگردان «حسن بصری» از مسلک جبریان، بنانهاده شد. او نیز به مخالفت با نظریه افراطی جهمیه پرداخت. نظریه ای که به کلی اختیار را از انسان سلب می نمود و برای انسان نه قدرت و نه اراده و نه امکان انتخاب آزاد قائل بود.^۱

با افول امویان در سال ۱۳۲ (ه ق) و روی کار آمدن عباسیان، معتزله نیز قدرت بیشتری یافت. نفوذ آنها در دوران هارون، مأمون، معتصم و واثق به اوج رسید. اما با به قدرت رسیدن متوکل و تغییر سیاست دینی و ضعیف شدن مباحث عقلی، اصحاب حدیث تقویت شدند و تعصب و سختگیری علیه معتزله و شیعه فزونی یافت و در دوران حکومت «المعتمد علی الله» دوباره مذهب طرفدار جبر یعنی اشاعره توسط «ابوالحسن اشعری»^۲ ظهور یافت و قدرتش در عهد «القادر بالله» با انحصار در یک مذهب رسمی یعنی اشاعره به حد اعلاء رسید. بنا به نوشته «ابن جوزی» در زمان او اعتقادنامه ای بر مبنای مذهب ابوالحسن اشعری تنظیم شد و «الاعتقاد القادری» نامیده شد و فقها ذیل آن گواهی کردند که این، اعتقاد صحیح مسلمانان می باشد و جز آن باطل و کفر است.^۳ اما در طول این دوران همواره مکتبی به موازات فرقه ها و مکاتب دیگر راه خویش را در فراز و نشیب ها به جلو می پیمود و آشکارا و پنهان به تبلیغ و ترویج عقاید خود می پرداخت و آن مکتب «امامیه» و فرقه «شیعه» است که نه مانند جهمیه و جبریه جانب افراط و نه مانند قدریه و تفویضیه جانب تفریط را پیموده است، بلکه بر اساس تعالیم ناب رهبران و امامان خویش راه میانه را اختیار کرده است.

۸-۱ شرح حال امام خمینی (ره)

سیدروح الله موسوی الخمینی در ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۰ (ه ق) مطابق با ۱ مهر ۱۲۸۱ (ه ش) در شهرستان «خمین» یکی از توابع استان مرکزی و در خانواده ای اهل علم و هجرت و جهاد و در خاندانی از سلاله زهرای اطهر (س) پای بر خاکدان طبیعت نهاد. پدر بزرگوارشان «سید مصطفی موسوی» از

۱- محمد مهدی رکنی، جبر و اختیار در مثنوی، پیشین، ص ۱۷

۲- ابوالحسن اشعری تا ۴۰ سالگی پای درس ابوعلی جبایی معتزلی بود و مدافع نظریه اختیار. اما پس از مناظره ای با استادش در مورد مسأله ایمان و کفر از این مذهب کناره گیری کرد و مذهب اشعری که طرفدار جبر را، اما به صورت میانه و معتدل تر از جبر مطلق، پایه ریزی کرد. رضا برنجکار، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، پیشین، ص ۱۲۵

۳- محمد مهدی رکنی، جبر و اختیار در مثنوی، پیشین، ص ۱۷ و ۱۸.

معاصرین مرحوم آیت ... العظمی میرزای شیرازی ، پس از آنکه سالیانی چند در نجف اشرف علوم و معارف اسلامی را فرا گرفت و به درجه اجتهاد نائل آمد ، به ایران بازگشت و در خمین ملجأ مردم و هادی آنان در امور دینی شد . بیش از پنج ماه از ولادت روح ... نمی گذشت که طاغوتیان و عمال حکومت وقت، ندای حق طلبی پدر را با گلوله پاسخ دادند و درمسیر خمین به اراک، پدر ایشان را به شهادت رساندند.^۱

کودکی امام : امام (ره) کودکی را تحت سرپرستی مادر مؤمنه اش (بانوهاجر) که خود از خاندان علم و تقوا و از نوادگان مرحوم آیت ... خوانساری بوده است و نیز نزد عمه مکرمه اش (صاحبه خانم) بانوی شجاع و حق جو سپری کردند. اما در سن پانزده سالگی از نعمت وجود این دو عزیز نیز محروم شدند.

سیر علمی امام :ایشان از سنین کودکی و نوجوانی با بهره گیری از هوش سرشار ، قسمتی از معارف متداول روز و علوم مقدماتی و سطح حوزه های دینی از جمله ادبیات عرب ، فقه و اصول ، منطق را نزد علمای منطقه نظیر آقا میرزا محمود افتخار العلماء ، مرحوم میرزا رضا نجفی خمینی ، مرحوم آقا شیخ علی محمد بروجردی ، مرحوم آقا شیخ محمد گلپایگانی و مرحوم آقا عباس اراکی و بیش از همه نزد برادر بزرگشان آیت ... سید مرتضی پسندیده فرا گرفت . پس از آن ، از نظر کمال به پایه ای رسید که ناچار بود زادگاه را ترک نماید و در یکی از مراکز بزرگ علمی به تحصیل پردازد. ایشان تصمیم داشتند رهسپار حوزه علمیه اصفهان شوند ، ولی در همان روزها شهرت و آوازه مرحوم آیت ... حائری یزدی، در آن منطقه طنین انداز بود . لذا برای شرکت در حوزه علمیه اراک که به وسیله آیت ... حائری یزدی بنیانگذاری شده بود ، راهی اراک شدند و در سال ۱۳۳۹ (ه ق) مصادف با ۱۲۹۸ (ه ش) در این حوزه به تحصیل پرداختند. پس از یک سال و اندی ، مرحوم آیت ... حائری تصمیم گرفتند حوزه علمیه را به شهرستان قم انتقال دهند و در سال ۱۳۴۰ (ه ق) حوزه پر برکتی در این شهر تأسیس گشت . آن روزها از عمر شریف امام (ره) بیست بهار می گذشت که به فاصله چهار ماه از مهاجرت آیت ... حائری به قم ، ایشان نیز تصمیم به عزیمت به قم می گیرند.^۲

۱- خمینی ، صحیفه نور، ج چهارم (تهران : مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام ، ۱۳۸۶) ج اول ، پیشگفتار

۲- همو، شرح دعای سحر ، ترجمه سید احمد فهری ، ج پنجم (تهران : اطلاعات ، ۱۳۷۴) ص ۲۱